

منطقه گرایی و WTO

فاطمه موحدی^۱

چکیده:

چارچوب اصلی و بنیادین نظری در روابط تجاری بین‌المللی مبتنی بر آثار مثبت تجارت آزاد در صورت وجود رقابت کامل، با ایجاد تخصص بین‌المللی کار و تأمین بهینه نیازمندیهای جامعه می‌باشد، چراکه موجب می‌شود تا هر کشوری به سقف بالاتری از تولید و مصرف برسد و در ضمن نرخ نهایی یا نسبی تولید و مصرف بین کشورها یکسان گردد. مطالعات اخیر بر اهمیت آزادسازی تجاری در رشد اقتصادی کشورها نیز تأکید نموده و ارتباطی قوی بین رشد اقتصادی و آزادسازی تجاری را نشان می‌دهد. گسترش روزافزون حجم تجارت جهانی طی دهه‌های اخیر و اثر آن بر رشد اقتصادی، اهمیت ویژه تجارت را برای کلیه کشورها آشکار نموده است. از جمله ابزارهایی که توسط کشورها جهت دستیابی به سهم بیشتر از بازار جهانی مورد استفاده قرار می‌گیرند، مشارکت در موافقتنامه‌های تجاری دو یا چند جانبه می‌باشد پدیده جهانی‌شدن و مشارکت در موافقتنامه‌های تجاری بین‌المللی که در رأس آن گات (GATT)^۲ و سپس سازمان

۱- محقق اداره بررسیها و سیاستهای اقتصادی بانک مرکزی ج.ا.ا.

2- General Agreements On Tariff and Trade .

جهانی تجارت (WTO)^۱ قرار داشته و دارد، در گسترش این گونه موافقتنامه‌ها مؤثر بوده است. تا ژوئن سال ۲۰۰۵، وجود ۱۸۰ موافقتنامه تجارت منطقه ای به سازمان تجارت جهانی گزارش شد.

این مقاله سعی در معرفی این گونه موافقتنامه‌ها و ارتباط آنها با سازمان تجارت جهانی و مفاهیم مربوط به همگرایی دارد.

واژگان کلیدی: تجارت، موافقتنامه های تجاری بین المللی، گات، سازمان جهانی تجارت، همگرایی

مقدمه:

چارچوب اصلی و بنیادین نظری در روابط تجاری بین‌المللی مبتنی بر آثار مثبت تجارت آزاد می‌باشد که با طرح نظریه مزیت مطلق توسط «آدام اسمیت» (۱۷۷۶) و نظریه تقسیم بین‌المللی کار، فواید آن برشمرده شد. «ریکاردو» نیز با مطرح کردن نظریه مزیت نسبی باب دیگری را در این وادی گشود، هرچند که پیش از این دو، در اوایل قرن ۱۵ تا قرن ۱۸ در کشورهای چون انگلستان، هلند، فرانسه و اسپانیا اندیشه سوداگران (مرکانتلیستها) رواج داشت که معتقد بودند تنها راه خلق ثروت، تجارت است. از مهمترین نظریاتی که مکمل نظریه مزیت نسبی «ریکاردو» می‌باشد، نظریه «هکچر و اوهلین» است که برای بیان علت تفاوت در مزیت نسبی کشورها، فراوانی عوامل تولید را مطرح می‌سازد. آثار مثبت تجارت آزاد در صورت وجود رقابت کامل، با ایجاد تخصص بین المللی کار و تامین بهینه نیازمندیهای جامعه، موجب می شود تا هر کشوری به سطح بالاتری از تولید و مصرف برسد و در ضمن نرخ نهایی یا نسبی تولید و مصرف بین کشورها یکسان گردد.

1 - World Trade Organization.

مطالعات اخیر بر اهمیت آزادسازی تجاری در رشد اقتصادی کشورها نیز تأکید نموده و ارتباطی قوی بین رشد اقتصادی و آزادسازی تجاری را نشان می‌دهد.^۱ گسترش روزافزون حجم تجارت جهانی طی دهه‌های اخیر و اثر آن بر رشد اقتصادی، اهمیت ویژه تجارت را برای کلیه کشورها آشکار نموده است.

از جمله ابزارهایی که توسط کشورها جهت دستیابی به سهم بیشتر از بازار جهانی مورد استفاده قرار می‌گیرند، مشارکت در موافقتنامه‌های تجاری دو یا چند جانبه می‌باشد. پدیده جهانی شدن و مشارکت در موافقتنامه‌های تجاری بین‌المللی که در رأس آن گات (GATT) و سپس سازمان جهانی تجارت (WTO) قرار داشته و دارد، در گسترش این‌گونه موافقتنامه‌ها مؤثر بوده است.

بسیاری از کشورهای در حال توسعه، یا عضو یک موافقتنامه تجارت منطقه‌ای (RTA)^۲ می‌باشند و یا در حال مذاکره برای پیوستن به یک موافقتنامه تجارت منطقه‌ای هستند. تا ژوئن ۲۰۰۵ فقط کشور مغولستان عضو هیچ موافقتنامه تجارت منطقه‌ای نبوده است. طی ۱۰ سال گذشته تعداد این نوع موافقتنامه‌ها در سراسر جهان افزایش داشته است. در ژوئن سال ۲۰۰۲ وجود ۱۶۹ موافقتنامه تجارت منطقه‌ای به سازمان جهانی تجارت گزارش شد.^۳ تا ژوئن ۲۰۰۵، وجود ۳۳۰ موافقتنامه تجارت منطقه‌ای به WTO (و نیز به سلف آن یعنی گات) گزارش شد. از این میان ۲۰۶ موافقتنامه پس از تشکیل WTO تشکیل شده‌اند. در حال حاضر ۱۸۰ موافقتنامه تجارت منطقه‌ای در حال اجرا می‌باشند و اعتقاد

۱ - بعنوان مثال Sachs و Warner (1995) با تفکیک کشورهای در حال توسعه جهان به دو گروه باز و بسته نشان داده‌اند که کشورهای در حال توسعه دارای اقتصاد باز در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ توانسته‌اند به طور متوسط به رشد سالانه ۴/۵ درصدی دست یابند. در حالی که همین رقم برای کشورهای در حال توسعه با اقتصاد بسته تنها ۰/۷ درصد می‌باشد.

2 -Regional Trade Agreement.

3 -<http://www.wto.org/English/tratop-e/region.e/regfac.e.htm>- 1382/8/8 .

بر آن است که تعداد بیشتری از این نوع موافقتنامه‌ها وجود دارند که هنوز به WTO گزارش نشده‌اند.^۱

در این مقاله تلاش می‌شود تا در خصوص منطقه‌گرایی، موافقتنامه‌های تجاری، فلسفه وجودی سازمانهای جهانی چون گات و سازمان جهانی تجارت و اصول آن اطلاعاتی به تفصیل ارائه شود.

تجارت آزاد و موافقتنامه‌های تجارت منطقه‌ای

طی نیمه دوم دهه ۱۹۹۰، آزادسازی تجاری و تعقیب هدف تجارت آزاد جهانی با یک دگردیسی همراه شد. حرکت آنی سیاسی از فرآیند آهسته و توأم با دشواری مذاکرات مربوط به تعرفه‌های چند جانبه، به سمت موافقتنامه‌های منطقه‌ای کوچکتر و یا دو جانبه-موافقتنامه تجارت منطقه‌ای (RTA) - صورت پذیرفته است. منطقه‌گرایی در فرهنگ اصطلاحات سیاست تجاری، در نقش اقداماتی توسط دولت‌ها جهت آزادسازی یا تسهیل تجارت در سطح منطقه‌ای و حتی گاهی از طریق مناطق آزاد تجاری یا اتحادیه‌های گمرکی می‌باشد. همان‌گونه که ذکر شد از جمله این اقدامات عضویت در موافقتنامه‌های تجاری مختلفی چون موافقتنامه‌های تجارت منطقه‌ای می‌باشد.

موافقتنامه‌های تجارت ترجیحی (PTAs)، عبارتند از موافقتنامه‌هایی بین چند کشور که رفتار ترجیحی تجاری دو جانبه بین هر دو شریک تجاری نسبت به تجارت بین خود و بقیه دنیا دارند. در این نوع موافقتنامه‌ها لزومی ندارد که این ترجیحات بر کل تجارت این کشورها تعمیم یابد و بستگی به نوع موافقتنامه ترجیحی تجاری دارد. اعضای اکثر موافقتنامه‌های ترجیحی تجاری به یک منطقه جغرافیایی تعلق دارند،

1 - http://www.wto.org/english/thewto_e/whatis_e/tif_e/utw_chap4_e.pdf : "CROSS-CUTTING AND NEW ISSUES"-Page 1-1385/9/11.

بنابراین به این نوع PTA ها، موافقتنامه‌های تجارت منطقه‌ای (RTAs) اطلاق می‌شود.^۱

همچنین، موافقتنامه‌های تجارت منطقه‌ای با نام موافقتنامه‌هایی مطرح می‌باشند که بین دو یا چند کشور و یا چند بلوک تجاری منعقد می‌شوند که مایل به ورود به سیستم ترتیبات تجاری ترجیحی با یکدیگر می‌باشند (معمولاً با ترجیحات تعرفه‌ای آغاز شده و سپس آن‌را به خدمات، حق مالکیت فکری، تأمین و تدارک دولت و سایر حدود تعمیم می‌دهند)

ملاحظه می‌شود در اینکه کدام یک از این نوع موافقتنامه‌ها (RTAs و PTAs) زیر مجموعه دیگری است، با توجه به منابع مختلف و تعاریف متفاوت اختلاف مشاهده می‌شود، اما طبق تعریف سازمان جهانی تجارت، موافقتنامه‌های تجارت منطقه‌ای، موافقتنامه‌هایی هستند که بین کشورهایی که لزوماً در یک منطقه جغرافیایی نیز قرار ندارند، منعقد می‌شوند و شامل اقداماتی از جانب دولت‌ها می‌باشد که جهت تسهیل تجارت از طریق موافقتنامه‌های تجارت آزاد^۲ یا اتحادیه‌های گمرکی^۳ صورت می‌گیرد.

موافقتنامه‌های تجارت منطقه‌ای جهت آزادسازی‌های تجاری ابزار جدیدی نمی‌باشند، چنانکه هر زمان مذاکرات تجاری چند جانبه با شکست مواجه شده‌اند، موافقتنامه‌های تجارت آزاد به صورت دو جانبه شکل گرفته‌اند. چنین موافقتنامه‌های

1-T.N. Srinivasan- "Preferential Trade Agreements with Special Reference to Asia"-
<http://www.econ.yale.edu/~srinivas/PrefTradeAgreements.pdf#search=%22PREFERENTIAL%20TRADE%20AGREEMENTS%2BDEFINITION%22>.

2 -FTAs: Free Trade Agreements.

3 - CUs: Custom Unions.

تجاری استراتژیکی ، بسیاری از دول را قادر به حرکت به سوی تجارت آزادتر و کسب منفعت از آن نموده اند.

تحلیل سنتی اقتصادی بیان می‌دارد که موافقتنامه تجارت منطقه‌ای در نقش شکلی از آزادسازی تجاری ، قیمت‌ها را برای مصرف‌کنندگان از دو طریق کاهش می‌دهند: (۱) حذف تعرفه‌هایی که قبلاً بر واردات وضع می‌شدند (۲) جایگزینی تولید تولیدکنندگان ناکارآمد داخلی با واردات ارزانتر از درون منطقه (خلق تجارت). اما این نکته را نباید از نظر دور داشت که این منافع می‌تواند از طریق موانع و محدودیتهای تجاری در برابر سایر نقاط دنیا کاملاً خنثی شوند.^۱ همچنین، برخی اعتقاد دارند که «چنین موافقتنامه‌هایی به کشورها اجازه می‌دهد که خود را برای آزادسازی‌های گسترده‌تری از طریق آزادسازی در مقیاس محدودتر آماده سازند. همچنان که کشورها به آزادسازی‌های محدود مبادرت می‌ورزند، انتقالشان به آزادسازی‌های گسترده‌تر و جامعتر آسانتر خواهد بود».^۲

گسترش موافقتنامه‌های تجارت منطقه‌ای به این تفکر که چنین موافقتنامه‌های تجاری جداگانه‌ای منافع اصلاحات تعرفه‌ای جهانی را تحلیل برده و بلوکهای تجاری را به جای تجارت آزاد ایجاد می‌کنند، دامن زده است. انواع مختلف موافقتنامه‌های تجارت منطقه‌ای، چالشهای متفاوتی را در برابر تجارت آزاد جهانی ایجاد می‌کنند، اما به طور ذاتی، همگی یک اثر را دارند: موافقتنامه‌ها با تبعیض بین غیراعضا، موانع تعرفه‌ای را در برابر کاراترین حرکت جهانی بنا می‌نهند. اما با این حال سازمان جهانی تجارت ، این نوع

1-Stevens, Dr. Christopher; Dr. Matthew McQueen, "Regional Trade Agreements", Trade & Investment Background Briefings, No. 2, Pages 1-3- <http://www.ids.ac.uk/tradebriefings/ti2.pdf> - 1382/8/8.

2 -Department of the Parliamentary Library Of Australia, "Regional Trade Agreements and The WTO", Research Note, No.16, Oct. 2002 -Pages 1-2 .

موافقتنامه‌ها را تحت شرایط ویژه‌ای که در ماده (۲۴) گات و ماده (۵) گاتس آمده و شرایطی که با نام «شرط توانمندسازی»^۱ معروف می‌باشند، پذیرفته است.

ماده (۲۴) گات (در سال ۱۹۹۴ تجدیدنظر شده است) بیان می‌دارد که هدف موافقتنامه‌های تجارت منطقه‌ای، تسهیل تجارت جهانی است و اینکه این هدف از طریق شمول کلیه بخشهای تجارت در این موافقتنامه تأمین شده و با مستثنا نمودن هر بخش تجاری عمده مسدود می‌شود. این ماده تأکید می‌نماید که چنین موافقتنامه‌هایی با هدف کاهش موانع برسر راه تجارت میان شرکای تجاری و نه افزایش موانع تجاری بین شرکای این قرارداد وسایرین شکل می‌گیرند. همچنین این ماده بر شفافیت به عنوان اصل بنیادی در مذاکرات و نتیجه موافقتنامه‌های تجارت منطقه‌ای تأکید می‌کند.

ماده (۵) گاتس همان معیارهای ماده ۲۴ گات را برقرار می‌سازد. اگر معیارآزادسازی گسترده تجاری در بین اعضا آثار قابل اغمازی بر طرف غیر عضو داشته باشد و نیز معیارشفافیت رعایت شوند، موافقتنامه‌های تجارت منطقه‌ای مجاز هستند.

شرط توانمندسازی نیز به تصمیم سال ۱۹۷۹ اعضای گات بر می‌گردد که استثناهایی را بر اصل دولت کامله الوداد به نفع کشورهای در حال توسعه مجاز نمود. این تصمیم اصولاً به کشورهای در حال توسعه، توانایی ورود به موافقتنامه‌های تجارت ترجیحی را می‌دهد. همچنین این شرط بر تعهد به اصل شفافیت تأکید می‌ورزد.

در حال حاضر حدود ۵۰ درصد از تجارت جهانی تحت موافقتنامه‌های تجارت ترجیحی صورت می‌گیرند. موافقتنامه‌های تجارت ترجیحی با نرخ‌های بیشتر از نرخ تجارت جهانی در حال رشد می‌باشند. بین سالهای ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۷، این موافقتنامه‌ها با نرخ ۶۶

1 -Enabling Clause.

درصدی رشد یافتند در حالی که تجارت جهانی با نرخ ۳۴ درصدی رشد یافت.^۱ همان گونه که قبلاً نیز ذکر گردید، تا ژوئن ۲۰۰۵ تنها کشور مغولستان عضو هیچ موافقتنامه تجارت منطقه‌ای نبوده است. تا ژوئن ۲۰۰۵، وجود ۳۳۰ موافقتنامه تجارت منطقه‌ای به WTO (و نیز به سلف آن یعنی گات) گزارش شد و از این میان ۲۰۶ موافقتنامه پس از تشکیل WTO تشکیل شده اند. در حال حاضر ۱۸۰ موافقتنامه تجارت منطقه‌ای در حال اجرا می باشند و اعتقاد بر آن است که تعداد بیشتری از این نوع موافقتنامه ها وجود دارند که هنوز به WTO گزارش نشده اند.^۲ با این حال همواره این سؤال مطرح بوده است که آیا موافقتنامه های تجارت منطقه‌ای اهداف چند جانبه گرایانه سازمان جهانی تجارت را کند می کنند و یا برعکس آن را تسریع می نمایند؟^۳ اقتصاددانان بسیاری معتقدند که هیچ تحلیل اقتصادی یا سیاسی نمی تواند یک جواب قطعی در این خصوص ارائه نماید. اما افزایش موافقتنامه های تجارت منطقه‌ای را می توان به سادگی نسبی مذاکرات آنها و نیز تمایل برخی دولتها (که عضو سازمان جهانی تجارت نبوده اند) به مشارکت در موافقتنامه های تجارت منطقه‌ای بدین منظور که از کنار گذاشته شدن و محرومیت های ممکن در تجارت بین المللی اجتناب نمایند، نیز نسبت داد.

موافقتنامه های تجارت منطقه‌ای به صورتهای ذیل قابل تحقق می باشند :

الف) نواحی آزاد تجاری: اعضا بین خود تعرفه ها و موانع غیر تعرفه‌ای را حذف

- 1- T.N. Srinivasan- "Preferential Trade Agreements with Special Reference to Asia"- <http://www.econ.yale.edu/~srinivas/PrefTradeAgreements.pdf#search=%22PREFERENTIAL%20TRADE%20AGREEMENTS%20DEFINITION%22>.
- 2- http://www.wto.org/english/thewto_e/whatis_e/tif_e/utw_chap4_e.pdf : "CROSS-CUTTING AND NEW ISSUES" -Page 1-1385/9/11.
- 3 - Arvind, Panagariya- "Contributions of Jagdish Bhagwati to The Theory of Preferential Trading"- http://www.columbia.edu/~ap2231/jbconference/Papers/Panagariya_Bhagwati%20Conference_PTAs.doc - page 4-1382/7/4 .

نموده اما تعرفه‌های اولیه را در برابر سایر کشورهای دنیا حفظ می‌کنند. از جمله این موافقتنامه‌ها می‌توان نفتا (NAFTA)^۱، سفتا (CEFTA)^۲، لفتا (LAFTA)^۳ را نام برد.

ب) اتحادیه‌های گمرکی: اعضا، تعرفه‌ها و موانع غیر تعرفه‌ای بین خود را حذف نموده و یک نظام تعرفه‌ای مشترک را در مقابل بقیه دنیا ایجاد می‌کنند. مثال آن می‌تواند جامعه اروپایی (EC)^۴ و اتحادیه گمرکی کشورهای جنوب آفریقا (SACU)^۵ -نیز که از سال ۱۹۱۰ تشکیل شده و قدیمی‌ترین اتحادیه گمرکی در جهان است- باشد. البته اساس اتحادیه‌های اقتصادی بیشتر بر «نظریه گمرکی» مبتنی می‌باشد. تشکیل اتحادیه گمرکی نیز نوعی سیاست بازرگانی خارجی است که از یک طرف هم منافع اقتصادی را ایجاد می‌کند و هم ممکن است زیان‌هایی را برای کشورهای عضو اتحادیه در بر داشته باشد. چراکه طبق آثار ایستا یا اثر تجاری تشکیل اتحادیه گمرکی، امکان ایجاد تجارت بین دو کشور عضو وجود دارد و قطع تجارت با کشور ثالث، این خود شامل دو اثر «ایجاد تجارت» و «قطع تجارت» می‌شود که طرفداران تجارت آزاد اولی را یک اثر مثبت و افزایش‌دهنده رفاه می‌دانند و دومی را یک اثر منفی و کاهش‌دهنده رفاه بر می‌شمرند. اگر آثار «ایجاد تجارت» بیش از آثار «قطع تجارت» باشد، طرفداران تجارت آزاد، ایجاد اتحادیه گمرکی را برای کشورهای عضو با منفعت می‌دانند (فقط با توجه به آثار ایستا). اما برای تشکیل اتحادیه‌های گمرکی آثار پویایی هم در نظر گرفته می‌شود. اثرهای پویا یا دینامیک اتحادیه گمرکی اثرهایی می‌باشند که سبب رشد اقتصادی کشورهای عضو می‌شوند.

-
- 1 -North American Free Trade Agreement.
 - 2 -Central European Free Trade Association .
 - 3 -Latin American Free Trade Agreement.
 - 4 -European Community.
 - 5 - Southern African Customs Union.

برخی از آثار دینامیک عبارتند از: (۱) انبساط بازار، چرا که کشورهای عضو از بازارهای مصرف یکدیگر مطمئن می‌باشند. (۲) تولید به مقیاس زیاد، به محض گسترش بازار و ایجاد امکانات جدید، تولیدکنندگان کشورهای عضو در می‌یابند که اکنون می‌توانند با مقیاس بیشتری تولید کرده و از این راه هزینه‌های تولیدی خود را کاهش دهند. (۳) ایجاد رقابت، با ایجاد اتحادیه‌های اقتصادی، تولیدکنندگان یک کشور متوجه رقبای خود در کشورهای عضو شده و اجباراً سعی در کاهش هزینه‌های تولید نموده، احتمالاً هزینه‌های تحقیق و توسعه (R&D) خود را برای یافتن کالای جدیدتر و راههای جدیدتر تولید کالا افزایش می‌دهند تا بتوانند به طور موثری باتولیدکنندگان کشورهای عضو رقابت نمایند. (۴) سرمایه‌گذاری‌های جدید، بازار گسترده‌تر و رقابت بیشتر به نوبه خود شرکتهای مقیم کشورهای عضو اتحادیه را بر آن می‌دارد که به سرمایه‌گذاری‌های خود افزوده و این خود سبب ایجاد اشتغال و درآمد بیشتر می‌شود. همچنین به دلیل گسترش بازار، تصمیم‌گیری در مورد سرمایه‌گذاری دقیقتر انجام می‌شود. این امر نیز کیفیت سرمایه‌گذاری را از نظر ایجاد مراکز صنعتی در داخل اتحادیه بالا می‌برد. در نهایت اتحادیه‌های اقتصادی باعث تقسیم کار بیشتر و دقیقتر شده و شرکتهای و موسسات تولیدی تخصصی‌تری را به وجود می‌آورد. بسیاری از اقتصاددانان معتقدند که ایجاد اتحادیه‌های گمرکی یا هر نوع اتحادیه اقتصادی را باید براساس آثار دینامیک آن مورد قضاوت قرار داد.

ج) موافقتنامه‌های نامتقارن^۱: این موافقتنامه‌ها بر خلاف دو نوع قبل که می‌باید دارای شرط رفتار متقابل^۲ می‌بودند، لزوماً ترجیحات رفتار متقابل را ندارد. مثلاً به یک

1 - Asymmetrical.

2 - Reciprocal.

شریک تجاری ممکن است اجازه داده شود که نسبت به دیگری تبعیضاتی را اعمال نماید. از باب مثال می توان موافقتنامه های جامعه اروپایی با کشورهای شمال آفریقا را نام برد. موافقتنامه های تجارت منطقه ای از حیث سطح همگرایی به شرح ذیل قابل تقسیم بندی می باشند:^۱

(۱) موافقتنامه های تجارت ترجیحی (PTAs): این نوع موافقتنامه ها در ابتدایی ترین سطح همگرایی قرار دارند و تحت آن کشورهای عضو موانع تجاری (معمولاً تعرفه ای) را بین خودشان کاهش می دهند. چنین تجارت ترجیحی معمولاً محدود به بخشی از جریانهای تجاری بالفعل می شوند و اغلب دارای ترتیبات رفتار متقابل نمی باشند موافقتنامه های تجارت ترجیحی معمولاً باعث می شود که کشورهای در حال توسعه به بازارهای صادراتی بزرگتر دست یابند و بنابراین به توسعه اقتصادی گسترده تری نایل شوند. البته در واقع موافقتنامه های تجارت ترجیحی بیان سیاسی روابط نزدیکتر اقتصادی مطلوب می باشد و احتمالاً می توانند در نقش کاتالیزوری برای ایجاد ارتباط آزاد بین اعضایشان عمل کنند.

(۲) موافقتنامه منطقه تجاری آزاد (FTA): ترتیبات دارای رفتار متقابل می باشند که به موجب آنها موانع تجاری (معمولاً تعرفه ها) بین کشورهای عضو از میان برداشته می شود. با این حال، هر عضو موانع تجاری خارجی خود را در برابر کشورهای غیر عضو خواهد داشت.

(۳) اتحادیه گمرکی (CU): سطح بعدی همگرایی اقتصادی، اتحادیه گمرکی می باشد. در یک اتحادیه گمرکی، کلیه اعضا یک سیاست مشترک تجارت خارجی (یعنی رژیم تعرفه ای خارجی مشترک) را در پیش می گیرند.

(۴) بازار مشترک (CM): در سطح بالاتر همگرایی، بازار مشترک است که در آن کشورهای

1 -Tim, Martyn - " A Complete Guide To The Regional Trade Agreements Of The Asia-Pacific", The Australia APEC Study Center, March 2001, Pages3 .

عضو متعهد به کاهش محدودیت تجاری بین اعضا و افزایش محدودیتهای تجاری در قبال غیراعضا بوده و تعرفه گمرکی را بین خود حذف نموده و سیاستهای یکسان گمرکی رانیز در پی می گیرند، اما نقل و انتقال آزادانه عوامل تولید (نیروی کار و سرمایه) را نیز تسهیل می کنند.

(۵) **اتحادیه پولی (MC)**: اتحادیه پولی، بازار مشترکی است که در آن اعضا توافق می کنند تا پول واحدی را به جریان اندازند، مثلاً می توان دلار کارابیب شرقی^۱ را نام برد. باید توجه داشت که «اتحادیه پولی» که چهارمین مرحله همگرایی اقتصادی است، با «اتحادیه اقتصادی و پولی» که پنجمین مرحله همگرایی اقتصادی است، اشتباه گرفته نشود.

(۶) **اتحادیه کامل اقتصادی (اتحادیه اقتصادی و پولی) (EMU)**: این موافقتنامه که عالیترین سطح همگرایی را در بردارد، یک اتحادیه پولی است که سیاستهای اقتصادی هماهنگ توسط یک اداره مرکزی تعیین و ابلاغ می شود. اتحادیه اروپایی (EU) یک نمونه عینی اتحادیه کامل اقتصادی است که در آن پول واحدی (یورو) نیز جریان دارد.

موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (GATT) و سازمان جهانی تجارت (WTO)

یکی از اهداف منشور آتلانتیک که در سال ۱۹۴۱ بین روزولت و چرچیل به امضا رسید، ایجاد یک روش تجارت بین المللی بود که بر پایه عدم تبعیض و تجارت آزاد کالاها و خدمات استوار باشد. مذاکرات مربوط به این روش که در خلال جنگ جهانی دوم بین انگلستان، کانادا و آمریکا آغاز شده بود، پس از جنگ نیز ادامه یافت تا آنکه در ششم دسامبر ۱۹۴۵ پیشنهاد گسترش تجارت بین المللی و اشتغال را ارائه دادند. در سال ۱۹۴۷ دو دور از مذاکرات در دوکنگره جداگانه در ژنو صورت گرفت. در یکی از این

1 - East Caribbean Dollar.

کنگره‌ها طرح «سازمان بین‌المللی تجارت»^۱ تهیه و تنظیم گردید و در کنگره دیگر، مذاکراتی در زمینه مزایای معافیت‌های گمرکی انجام شد. نتایج مثبت این مذاکرات منجر به آن شد که پس از تأسیس سازمان مذکور، موافقتنامه‌ای چندجانبه و به طور موقت بین کشورهای جهان در خصوص مسائل گمرکی فی‌مابین منعقد شود. سرانجام نمایندگان کشورهای ذی ربط «موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت» را در تاریخ ۳۰ اکتبر ۱۹۴۷ به امضاء رساندند که از ژانویه ۱۹۴۸ لازم‌الاجرا گردید.

در اساسنامه سازمان بین‌المللی تجارت که توسط ۵۶ کشور مورد مذاکره قرار گرفته بود، مقررات و قواعد مشخصی راجع به تجارت، اشتغال، رقابت و مسائل اقتصادی پیش‌بینی شد. مقرر شد که این سازمان در مقام سازمان تخصصی سازمان ملل متحد تأسیس شود و شبیه به صندوق بین‌المللی پول که امور ارزی بین‌المللی را بررسی می‌نماید، مسائل تجاری بین‌المللی را حل و فصل کند. تا سال ۱۹۹۵ موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت تنها وسیله‌ای بود که دارای مبنای حقوقی بود و می‌توانست روابط تجاری بین دول عضو را تنظیم نماید. این موافقتنامه به صورت تشکیلاتی زیر نظر سازمان ملل متحد قرار گرفت. اهداف این موافقتنامه را می‌توان در رفع موانع و مشکلات موجود در زمینه گسترش تجارت جهانی، افزایش تولید و تجارت بین‌المللی، ارتقا و بهبود زندگی مردم و حرکت به سوی اشتغال بیشتر و درآمد افزونتر در سطح جهان برشمرد.

مذاکرات دور اروگوئه (۱۹۹۴-۱۹۸۶) منجر به موافقتنامه‌ای شد که در آن بر تأسیس WTO صحنه گذاشته شد و در سال ۱۹۹۵ جایگزین GATT شد.

به طور اجمالی، سازمان جهانی تجارت تنها سازمان بین‌المللی می‌باشد که با قواعد بین‌المللی تجارت بین کشورها سروکار دارد. مأموریت اصلی این سازمان، عبارت است از اطمینان یافتن از آنکه تجارت هر چه روانتر و قابل پیش‌بینی‌تر و آزادانه‌تر

جریان یابد^۱. تسهیل رویه‌های تجاری از طریق ابزاری صورت می‌پذیرند که فراتر از صرفاً حذف موانع تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای می‌باشد.^۲ در حالی که گات عمدتاً با مسائل مربوط به تجارت کالاها سرو کار داشت، اما اکنون سازمان جهانی تجارت و موافقتنامه‌های مربوط به آن تجارت خدمات و حقوق مالکیت فکری (ابداعات، خلاقیت و طراحی) را نیز پوشش می‌دهد.^۳

به منظور نیل به این هدف، سازمان جهانی تجارت کشورها را به مذاکره برای کاهش تعرفه‌ها و رفع سایر موانع تجارت ترغیب نموده و از آنها می‌خواهد قواعد مشترکی را در مورد تجارت کالاها و خدمات اجرا کنند. «این قواعد در چند سند حقوقی آورده شده‌اند که مهمترین این اسناد عبارتند از:

الف) موافقتنامه مراکش درباره تاسیس سازمان تجارت جهانی.

ب) موافقتنامه‌های چندجانبه^۴ درباره تجارت کالا که خود شامل موارد ذیل است:

۱-ب) موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (GATT/1994)

۲-ب) موافقتنامه‌های وابسته^۵ شامل:

۱-۲-ب) موافقتنامه کشاورزی (AG)^۶، موافقتنامه اعمال ضوابط

بهداشتی و بهداشت نباتی (SPS)^۷، موافقتنامه منسوجات و پوشاک (ATC)^۸،

موافقتنامه موانع فنی فراراه تجارت (TBT)^۹، موافقتنامه ضوابط تجاری سرمایه‌گذاری

1 - http://www.wto.org/english/res_e/doload_e/inbr_e.pdf : "The World Trade Organization..." - Page 1- 1385/9/9.

2- http://www.wto.org/english/thewto_e/whatis_e/tif_e/utw_chap4_e.pdf : "CROSS-CUTTING AND NEW ISSUES" - Page 1- 1385/9/9.

3 - http://www.wto.org/english/thewto_e/whatis_e/tif_e/fact1_e.htm : "Understanding The WTO" - Page 9- 1385/9/9.

4 - Multilateral.

5 - Associate Agreements.

6 - Agriculture Agreement.

7 - Agreement on the Application of Sanitary and Phytosanitary Measures.

8- Agreement on Textiles and Clothing.

9 - Agreement on Technical Barriers to Trade.

(TRIMs)^۱، موافقتنامه در مورد اجرای ماده ۶ گات ۱۹۹۴ (اقدامات ضدقیمت شکنی (ADP)^۲)، موافقتنامه در مورد اجرای ماده ۷ گات ۱۹۹۴ (ارزشگذاری گمرکی (ACV)^۳)، موافقتنامه بازرسی قبل از حمل (PSI)^۴، موافقتنامه قواعد مبدأ (RO)^۵، موافقتنامه رویه‌های صدور مجوز وارداتی (ILP)^۶، موافقتنامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی (SCM)^۷، موافقتنامه حفاظتها (AS)^۸.

۲-۲-ب) تفاهم نامه‌ها و تصمیمات شامل: تفاهم نامه در مورد تفسیر شق (ب) از بند (۱) ماده ۲ گات ۱۹۹۴ (تثبیت امتیازهای تعرفه‌ای)، تفاهم نامه در مورد تفسیر ماده ۷ گات ۱۹۹۴ (بنگاههای تجاری دولتی)، تفاهم نامه مربوط به تراز پرداختها در گات ۱۹۹۴، تصمیم درباره مواردی که تشکیلات گمرکی به دلایلی در مورد صحت یا دقت ارزش اعلامی تردید دارد (تصمیم در مورد انتقال بار اثبات)، تصمیم درباره تجارت و محیط‌زیست.

ج) موافقتنامه عمومی تجارت خدمات (GATS)^۹

د) موافقتنامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری (TRIPS)^{۱۰}

ه) تفاهم نامه قواعد و رویه‌های حل اختلاف (DSU)^{۱۱}

و) ساز و کار بررسی سیاست تجاری (TPRM)^{۱۲}

-
- 1 - Agreement on Trade-Related Investment Measures.
 - 2 - Anti-Dumping Practices.
 - 3 - Agreement on Customs Valuation.
 - 4 - Agreement on Pre-shipment Inspection.
 - 5 - Agreement on Rules of Origin.
 - 6 - Agreement on Import Licensing Procedures.
 - 7 - Agreement on Subsidies and Countervailing Measures.
 - 8 - Agreement on Safeguards.
 - 9 - General Agreement on Trade in Services.
 - 10 - Agreement on Trade-Related Aspects of Intellectual Property Rights.
 - 11 - Dispute Settlement Understanding.
 - 12 - Trade Policy Reviews.

ز) موافقتنامه‌های میان چند طرف^۱ (که فقط برای کشورهای امضاکننده آنها الزام‌آور است) شامل: موافقتنامه تجارت هواپیمای غیرنظامی، موافقتنامه خرید دولتی (GPA)^۲

اعضای سازمان جهانی تجارت موظفند قوانین، مقررات و رویه‌های ملی خود را کاملاً با مفاد این موافقتنامه‌ها هماهنگ سازند.^۳

تعداد اعضای سازمان جهانی تجارت، ۱۴۹ کشور می‌باشند. فهرست اسامی کشورهای عضو و تاریخ عضویت و نیز کشورهای ناظر در پیوست شماره (۱) ارائه شده‌است.

اصول پایه سازمان جهانی تجارت

حذف تعرفه‌ها، کانون مرکزی مذاکرات بین‌المللی طی ۵۰ سال اخیر بوده است. از هنگام جنگ جهانی دوم به بعد و از زمان تاسیس موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (GATT) در سال ۱۹۴۷ و نیز پس از شروع به کار سازمان جهانی تجارت، نه دور از مذاکرات تجاری چندجانبه صورت پذیرفته‌اند. آخرین دور که به «دور دوحه» معروف شده است، در تاریخ نهم تا چهاردهم نوامبر ۲۰۰۱ برگزار شد.^۴ «علی‌رغم تعداد کمتری از دوره‌ها طی سالهای اخیر، دوره‌های چندجانبه نقش عمده‌ای در کاهش تعرفه‌ها در دوران پس از جنگ داشته‌اند. نرخ تعرفه‌ها از متوسط ۴۰ درصد طی یک دهه قبل از جنگ تا ۳/۸ درصد طی سالهای پس از جنگ در مورد کالاهای صنعتی در

1 - Plurilateral.

2 - Agreement on Government Procurement .

۳- «آشنایی با قواعد سازمان جهانی تجارت: ۸۸ پرسش و پاسخ»- نمایندگی تام‌الاختیار تجاری جمهوری اسلامی ایران و شرکت چاپ و نشر بازرگانی وابسته به مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی - صفحات ۳-۱.

۴- دکتر علی صباغیان- «الحاق جمهوری اسلامی ایران به سازمان جهانی تجارت: فرصتها و چالشها»- دفتر نمایندگی تام‌الاختیار تجاری جمهوری اسلامی ایران- آذر ۱۳۸۳ .

کشورهای توسعه یافته کاهش یافت. با بازشدن درهای بازار جهانی، وجود موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت و به دنبال آن سازمان تجارت جهانی عوامل مهمی در رشد سریع تجارت بین الملل از زمان جنگ جهانی دوم به بعد بوده‌اند.^۱

هدف از ایجاد گات و سپس سازمان جهانی تجارت آن بود که تجارت در سراسر دنیا به صورت آزاد و بدون دخالت دولتها صورت پذیرد، به عبارتی، به دنبال نظام اقتصادی بین المللی بودند که آزادی عمل تجاری که بالطبع دخالت دولت در آن به حداقل برسد، شرط اساسی آن باشد. در همین جهت، اصولی را که گات و سازمان جهانی تجارت جهت تحقق این هدف در نظر گرفته‌اند، عبارتند از:

(۱) اصل عدم تبعیض (دولت کامله الوداد^۲ و رفتار ملی^۳)

اصل عدم تبعیض خود مشتمل بر دو اصل دولت کامله الوداد و رفتار ملی^۴ می‌باشد. بر اساس اصل دولت کامله الوداد، چنانچه یکی از اعضا شرایط و یا امتیازاتی را برای کشوری در نظر بگیرد، این وضعیت خود به خود برای سایر کشورهای عضو نیز لازم الاجرا می‌باشد (ماده یک گات/WTO). در واقع، در این ماده، هر گونه تبعیضی بین اعضا ممنوع می‌باشد. همین مسئله در ماده دو گاتس/WTO، در مورد خدمات کشورهای عضو و نیز در ماده چهار موافقتنامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری بیان شده است. بر اساس اصل رفتار ملی نیز هیچ کشوری مجاز به تبعیض بین کالاها (خدمات) تولید داخل و کالاها (خدمات) شرکای تجاریش نمی‌باشد و به بیان ساده، هر کشور باید با کالاهای کشور دیگر (عضو) همان گونه عمل کند که با کالاهای خود عمل می‌کند. این

1 - Tim, Martyn - "A complete guide to the regional trade agreements of the Asia-pacific" - The Australian Study Center (APEC)- 2001.

2 - Most Favored Nation (MFN).

3 - National Treatment.

4 - National Treatment.

موضوع در مواد (۳) گات، (۱۷) گاتس و (۳) موافقتنامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری بیان گردیده است.

البته علی‌رغم این مواد، همان‌گونه که قبلاً نیز بدان اشاره شد، طبق مقررات گات/WTO، ماده (۲۴) و تحت تبصره‌ای که در مقام شرط توانمندسازی شناخته می‌شود، از آنجا که هدف موافقتنامه‌های تجارت منطقه‌ای تسهیل تجارت جهانی می‌باشد و این هدف از طریق شمول کلیه بخشهای تجاری تقویت می‌یابد و از طریق مستثنا کردن بخشهای عمده، تضعیف می‌شود، این ماده و تبصره آن تأکید می‌دارند که هدف چنین موافقتنامه‌هایی کاهش موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای بین اعضا می‌باشد و نه آنکه موانع تجاری را بین اعضا و غیراعضا افزایش دهند. همچنین تصریح می‌دارد که شفافیت در مذاکرات و نتایج موافقتنامه‌های تجارت منطقه‌ای می‌باید در نقش یک اصل بنیادی در نظر گرفته شود. شرط توانمندسازی به تصمیم اعضای گات در سال ۱۹۷۹ مربوط می‌باشد که استثنائاتی را جهت اصل کاملاً الوداد برای کشورهای در حال توسعه و توانایی ایشان را جهت ورود به موافقتنامه‌های تجاری ترجیحی مجاز دانست. البته در سال ۱۹۶۵، به‌اساسنامه گات بخشهایی اضافه شد که هدف آن فراهم آوردن تسهیلاتی در مورد ایجاد بازار فروش محصولات کشورهای در حال توسعه بود و در واقع ترجیحات گمرکی را برای کشورهای در حال توسعه (نظام عمومیت یافته ترجیحات GSP)^۱ وضع نمود.

اولین اصل این نظام آن است که کشورهای پیشرفته صنعتی برای محصولات صنعتی کشورهای در حال توسعه تخفیف گمرکی قایل شوند. دومین اصل آن بیان می‌دارد که برای این تخفیف نسبت به کشورهای جهان سوم استثنا قایل نشوند و

1- Generalized System of Preferences.

سومین اصل آن بیان می‌کند که کشورهای پیشرفته صنعتی برای تسهیلاتی که قابل می‌شوند، انتظار عمل مقابله به مثل را نداشته باشند.

(۲) تجارت آزادانه تر

کاهش موانع تجاری یکی از بدیهی ترین ابزارهای تشویق تجارت می باشد. موانع بر سر راه تجارت شامل عوارض گمرکی (تعرفه ها) بوده و یا شامل اقداماتی چون محدودیت‌های وارداتی یا سهمیه ها که به طور انتخابی محدودیت‌های مقداری را به وجود می آورند، می باشند. گاهی نیز خطوط قرمز (موارد ممنوعه) و سیاستهای ارزی نیز مورد بحث قرار می گیرند.

در ابتدا تمرکز بر کاهش تعرفه ها بود که در نتیجه تا اواسط دهه ۱۹۹۰، نرخهای تعرفه کشورهای صنعتی بر کالاهای صنعتی به کمتر از ۴ درصد کاهش یافت. هرچند تا دهه ۱۹۸۰، موضوع مذاکرات به کاهش یا حذف موانع غیر تعرفه ای نیز بسط یافت و حوزه های دیگری را چون خدمات و مالکیت فکری در بر گرفت.

بازکردن درهای تجاری مفید است اما نیازمند تعدیل نیز می باشد. موافقتنامه WTO به کشورها اجازه می دهد که تغییرات را به تدریج و از طریق «آزادسازی پیشرونده» انجام دهند. کشورهای در حال توسعه نیز مجاز می باشند تا تعهدات خود را در مدت زمان بیشتری محقق سازند.

(۳) پیش بینی پذیری از طریق تثبیت تعرفه ها و شفافیت

گاهی آگاهی از آن که طرف تجاری به افزایش تعرفه‌های خود نمی‌پردازد به همان میزان کاهش تعرفه ها اهمیت دارد، چراکه تصویری واضح‌تر را از فرصتهای آتی کسب و کار ایجاد می کند. با وجود ثبات و پیش بینی پذیری، سرمایه‌گذاری تشویق شده و شغل‌های بیشتری ایجاد می شوند و مصرف کنندگان نیز کاملاً از رقابت در انتخاب

کالاها و قیمت‌های پایین تر منتفع می شوند. نظام تجارت چند جانبه تلاشی است از سوی دولت‌ها به منظور ثبات و پیش بینی پذیری فضای کسب و کار.

در نظام WTO زمانی که کشورها موافقت می نمایند که بازارهای خود را بر کالاها یا خدمات سایر کشورها بگشایند، خود را به تعهداتی «مقید»^۱ می سازند. این قیود برای کالاها شامل سقف‌هایی جهت نرخهای تعرفه می باشند. گاهی کشورها بر واردات مالیات وضع می کنند که کمتر از نرخهای تثبیتی می باشند. این مسئله غالباً در کشورهای در حال توسعه رخ می دهد. در کشورهای توسعه یافته نرخهایی که عملاً اعمال می شوند و نرخهای تثبیتی یکسان هستند.

این سیستم از راه‌های دیگری نیز به دنبال بهبود پیش بینی پذیری و ثبات است. یک راه، عدم استفاده از سهمیه بندی و سایر اقدامات محدود کننده مقادیر واردات می باشد. راه دیگر آن است که قواعد تجاری کشورها را هرچه عمومی تر (شفافتر) نمایند. بسیاری از موافقتنامه های WTO، دولت‌ها را ملزم به اعلان عمومی سیاستها و رویه‌ها در داخل کشور و مطلع نمودن WTO نموده است.

(۴) ارتقای رقابت منصفانه

گاهی به WTO سازمان «تجارت آزاد» اطلاق می شود، اما این مسئله کاملاً دقیق نمی باشد. این روش گاهی وضع تعرفه و در موارد محدودتری، سایر اشکال حفاظتی را مجاز می داند. دقیقتر آن که، WTO سیستم قواعدی است که رقابت آزاد، منصفانه و بدون خدشه را پاس می دارد. قواعد عدم تبعیض - دولت کاهک الوداد و رفتار ملی - به منظور تامین شرایط منصفانه تجارت طراحی شدند.

همان گونه که ذکر شد، از جمله سیاستهایی که در بازرگانی خارجی مورد

استفاده قرار می‌گیرد تعیین سهمیه بر واردات و صادرات کالاها می‌باشد. گات/WTO، وضع این محدودیتهای تجاری را منع می‌کند اما در شرایطی که کشوری کسری تراز پرداختها داشته باشد و یا اینکه طرف تجارت، کشورهای در حال توسعه باشند، استثنا قایل می‌شود. با توجه به تفاوت سطح توسعه کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی و این نکته که هم‌اکنون بیش از دو سوم اعضای سازمان جهانی تجارت، کشورهای در حال توسعه می‌باشند، تعجب‌آور نیست که توجه به نیازها و ملاحظات توسعه‌ای این کشورها از جایگاه ویژه‌ای در تدوین و اجرای مقررات سازمان جهانی تجارت برخوردار باشد.

با آنکه از ۲۳ کشور متعاهد گات در سال ۱۹۴۷ تعداد ۱۱ کشور متعلق به گروه کشورهای در حال توسعه (طبق گروه‌بندیهای شناخته شده امروزی) بودند، ولی هیچ نگرش خاصی به موضوع توسعه و ملاحظات توسعه‌ای خاص این کشورها در گات مدنظر قرار نگرفت. همچنین علی‌رغم شکاف عظیم توسعه‌ای بین آنها از تعهدات برابری در نزد گات برخوردار بوده و قوانین و مقررات یکسانی بر آنها حاکم بود. شمول اصل «رفتار متقابل»^۱ در مقام شالوده نظام تجاری چندجانبه پس از جنگ جهانی دوم بر هر دو گروه از این کشورها حاکم بود. نخستین تحولی که در آن زمان به منظور انعکاس نگرانیهای توسعه‌ای کشورهای در حال توسعه در گات صورت پذیرفت، اصلاح ماده (۱۸) و تغییر نام آن به «کمکهای دولتی برای توسعه اقتصادی» بود. طبق این ماده اصلاحی، کشورهای در حال توسعه اجازه یافتند تا به منظور کمک به تاسیس صنایع خاص و یا بخشهای جدید کشاورزی و همچنین مقابله با مشکلات تراز پرداخت‌هایشان، برخلاف تعهدات خود در چارچوب گات، از طریق لغو امتیازات تعرفه‌ای قبلی و یا اعمال محدودیتهای مقداری جدید، با حصول شرایطی دست به اقدامات حمایتی بزنند. پس از

1 - Reciprocity.

آن متعاقب تأسیس «کنگره تجارت و توسعه ملل متحد» (UNCTAD)^۱ و افزودن فصل چهار با نام «تجارت و توسعه» به گات که در واقع به نوعی بیانیه کشورهای در حال توسعه در زمینه طرح خواستها و دغدغه‌هایشان در مورد توسعه تلقی می‌شد. مهمترین دستاورد ایشان پذیرش معافیت کشورهای در حال توسعه از شمول اصل «رفتار متقابل» توسط کشورهای توسعه یافته صورت گرفت، حاصل شد. نقطه عطف دیگر، در «دور توکیو» در سال ۱۹۷۹، تصویب شرط توانمندسازی بود که زمینه حقوقی لازم را برای اعطای «رفتار ویژه و متفاوت»^۲ فراهم نمود.

البته پیش از آن نیز کشورهای در حال توسعه به ویژه در چارچوب «فصل تجارت و توسعه»، در قالب معافیت از برخی از قواعد گات، از نوعی رفتار ویژه و متفاوت برخوردار شده بودند ولی با به رسمیت شناخته شدن این اصل در قالب مصوبه مزبور، چارچوب حقوقی لازم برای اقدامات آتی نیز فراهم گردید. شرط توانمندسازی زمینه حقوقی لازم را برای اعطای نظام عمومی ترجیحات توسط کشورهای توسعه یافته و ایجاد ترتیبات تجاری جنوب - جنوب، که انحرافی از اصل «دولت کاملاً الوداد» به شمار می‌آمد، به طور دایم فراهم نمود و بدین ترتیب دامنه «رفتار ویژه و متفاوت» به حوزه‌های جدیدتری گسترش یافت. در دور اروگوئه نیز کشورهای در حال توسعه دستاوردهایی داشتند از جمله: تقویت و استحکام بیشتر نظام حل اختلاف در سازمان تجارت جهانی و آزادسازی مرحله‌ای تجارت محصولات کشاورزی و منسوجات و پوشاک که دو حوزه عمده صادراتی مورد علاقه کشورهای در حال توسعه بود. این حوزه‌ها تا پیش از آن از قلمرو نظام تجاری چند جانبه مستثنا بوده و تابع رژیم خاصی بودند.

1 - United Nations Conference on Trade and Development.

2 - Special and Differential Treatment.

«موافقتنامه حفاظتها»^۱ که بعضی از اقدامات حمایت‌گرایانه از جمله اقدامات موسوم به «حوزه خاکستری»^۲ شامل محدودیتهای داوطلبانه صادراتی را ممنوع می‌سازد، نیز دستاورد مهمی در جهت امنیت بیشتر دسترس به بازار برای محصولات صادراتی کشورهای در حال توسعه به شمار می‌آید.

حوزه خاکستری معمولاً مقرهائی هستند که در قوانین سازمان جهانی تجارت قابل تفسیر می‌باشند و کشورهای توسعه یافته با استفاده از آنها کشورهای در حال توسعه را در تنگنا قرار می‌دهند.

در سال ۱۹۶۴ «کمیته تجارت و توسعه»، به منظور پیگیری خواسته‌ها و ملاحظات توسعه‌ای کشورهای در حال توسعه (که در فصل تجارت و توسعه گات تبیین شده بود) ایجاد گردید. این کمیته در چارچوب سازمان جهانی تجارت وظیفه بررسی مسائل گسترده مربوط به تجارت کشورهای در حال توسعه را بر عهده دارد. وظایف «کمیته تجارت و توسعه» به‌طور مشخص در سه حوزه «مطالعه و پیگیری مقررات رفتار ویژه و متفاوت»، «هماهنگی کمکهای فنی به کشورهای در حال توسعه» و «بررسی مشکلات اقتصادهای کوچک» (که با مشکلات فقدان صرفه‌های مقیاس و کمبود منابع طبیعی مواجه می‌باشند) خلاصه می‌شود.

کمیته فرعی «کشورهایی با کمترین سطح توسعه»^۳ نیز در نقش زیر مجموعه کمیته تجارت و توسعه وظیفه پیگیری مشکلات کشورهای با کمترین سطح توسعه را به دلیل ضرورت توجه ویژه به وضعیت خاص توسعه‌ای آنها بر عهده دارد. از میان مجموعه وظایف مذکور، بررسی و پیگیری مقررات رفتار ویژه و متفاوت برای کشورهای در حال

1 - Safegaurds.

2 - Grey Area Measures.

3 - LDCs:Least-Developed Countries.

توسعه از اهمیت خاصی برخوردار است.

مقررات «رفتار ویژه و متفاوت» از طریق موافقتنامه «گات ۹۴» که شامل «گات ۴۷» و یک رشته تفاهمنامه و اصلاحیه جدید می باشد، به WTO انتقال یافت. به طور کلی این مقررات به سه دسته عمده تقسیم می شوند:

- ۱- مقررات ناظر بر تسهیل تجارت کشورهای در حال توسعه و کشورهای با کمترین سطح توسعه؛ این مقررات شامل اقدامات یک جانبه کشورهای توسعه یافته در اعطای رفتار ترجیحی به کشورهای در حال توسعه در قالب «نظام عمومیت یافته ترجیحات» و به استناد «شرط توانمندسازی» مصوب ۱۹۷۹ و همچنین اعطای ترجیحات تجاری به کشورهای حوزه های جغرافیایی خاص است. این ترجیحات به استناد معافیت های موقت از ماده یک گات ۹۴ (اصل دولت کاملاً الوداد) شامل حذف کامل عوارض گمرکی کالاهای صادراتی کشورهایی با کمترین سطح توسعه توسط کشورهای توسعه یافته، امکان ایجاد ترتیبات تجاری جنوب- جنوب با تعدیل شرایط ماده ۲۴ گات و با استناد به «شرط توانمندسازی» و توجه بیشتر به آزادسازی تجاری کالاهای صادراتی مورد علاقه کشورهای در حال توسعه (فصل چهار گات) می شود.
- ۲- انعطاف بیشتر برای کشورهای در حال توسعه در پذیرش تعهدات؛ این مقررات شامل انعطاف در برقراری حمایت جهت تأسیس صنایع جدید، اتخاذ اقدامات محدودکننده در زمان بروز مشکل تراز پرداختها و معافیت از برخی مقررات خاص در چارچوب گات ۹۴ و دیگر موافقتنامه های متشکله سازمان جهانی تجارت، دوره های انتقالی طولانی تر برای اجرای تعهدات و انعطافها و معافیت های گسترده تر برای کشورهای با کمترین سطح توسعه می شود.

۳- ارائه کمکهای فنی به کشورهای در حال توسعه؛ با توجه به حجم وسیع تعهدات کشورهای در حال توسعه در موافقتنامه‌های تخصصی مختلف سازمان جهانی تجارت، ترتیبات متنوعی با هدف ارائه کمکهای فنی به منظور ایجاد ظرفیتهای تخصصی، سازمانی و حقوقی لازم جهت همگرایی بیشتر کشورهای در حال توسعه در نظام تجاری چند جانبه در موافقتنامه‌های مختلف سازمان جهانی تجارت پیش‌بینی شده است. علاوه بر این اقدامات یکپارچه و هماهنگی نیز جهت ارائه کمکهای فنی به کشورهای در حال توسعه با همکاری سازمانهای مختلف بین‌المللی ترتیب داده شده است.

در شرایط حاضر کشورها باید ثابت کنند که «در حال توسعه» می‌باشند که این مسئله کار آسانی نیست چون هیچ تعریفی از کشورهای در حال توسعه وجود ندارد و این مشکلات استفاده از اصل «رفتار ویژه و متفاوت» S&D^۱ می‌باشد. در مورد کشورهایی با کمترین سطح توسعه «تعریفی» وجود دارد و به‌طور خودکار از اصل رفتار ویژه و متفاوت می‌توانند استفاده کنند. طی دهه اخیر به همان میزان که WTO گسترش یافت و مقررات آن بیشتر شکل گرفت، مقاومت در برابر رفتار ویژه و متفاوت بیشتر شد به گونه‌ای که کشورهای پیشرفته WTO-Plus را به مقررات WTO اضافه کردند.^۲

همچنین، چنانچه کشوری از طریق یارانه و یا سایر کمکها درصدد بسط و

1-Special & Differential Treatments.

۲- WTO-Plus به معنای لغو حقوق و مزایای موجود در موافقتنامه WTO و نیز سایر تعهدات آزادسازی که در موافقتنامه WTO به آنها نیازی نباشد، است. کشورهای در حال الحاق تاکنون تعهدات متعددی را از WTO-Plus قبول نموده‌اند. مانند الحاق به موافقتنامه‌های میان چند طرف (مثل موافقتنامه خرید دولتی و هواپیمایی غیرنظامی) که تقریباً پیش شرط برای الحاق به WTO می‌باشد.

گسترش صادرات خود باشد، مکلف است مراتب را به اطلاع گات/WTO برساند. طبق اساسنامه گات که در ۱۹۵۵ اصلاح گردیده، نسبت به کشورهایی که با پرداخت یارانه‌های صادراتی، هدف افزایش صادرات را دنبال می‌کنند، مقررات شدیدی وضع شده است. البته اگر کشوری اقدام به عمل دامپینگ نماید، وضع عوارض گمرکی ضد دامپینگ (عمل مقابله به مثل از طریق عوارض گمرکی) مجاز شمرده شده است.

به دلیل گستردگی حمایت‌های اعمال شده در زمینه تولید محصولات کشاورزی در کشورهای جهان و تاثیرات مختل کننده ای که در تجارت محصولات کشاورزی برجا می‌گذارند، موضوع کاهش حمایت‌های داخلی مختل کننده تجارت در دستور کار مذاکرات موافقتنامه کشاورزی قرار گرفته است و توافقهایی در این زمینه حاصل شده است و موارد استثنایی مربوط به یارانه‌ها در نظر گرفته شده اند:

(۱) حمایت‌های جعبه توسعه^۱: ارائه حمایت‌هایی توسط دولت در کشورهای در حال توسعه در جهت کمک به توسعه بخش کشاورزی مجاز است و نیازی به کاهش چنین حمایت‌هایی نیست. این حمایتها شامل ۱- یارانه‌های سرمایه‌گذاری که عموماً در دسترس بخش کشاورزی و کشورهای در حال توسعه WTO می‌باشند. ۲- کمک‌های دولتی در کمک به توسعه کشاورزی و زندگی روستایی که بخش لاینفک برنامه‌های توسعه کشورهای در حال توسعه می‌باشد و در جهت تشویق توسعه کشاورزی می‌باشند. ۳- یارانه‌های نهاده‌های کشاورزی که عموماً در دسترس تولیدکنندگان کم‌درآمد و تولیدکنندگان با منابع اندک در کشورهای در حال توسعه و عضو WTO می‌باشد ۳- حمایت از تولید کنندگان و پرداخت یارانه عمدتاً به منظور تشویق در توقف کشت مواد مخدر غیرقانونی (ماده ۲-۶ موافقتنامه کشاورزی) داده می‌شوند. در این خصوص

1 -Development Box.

اصطلاح De minimis مطرح می شود که بر حسب آن، حمایت داخلی در کشورهای در حال توسعه عضو WTO نباید از ۱۰ درصد کل ارزش تولید یک محصول پایه کشاورزی عضو تجاوز کند. این نسبت برای کشورهای توسعه یافته عضو WTO نباید از ۵ درصد کل ارزش تولید یک محصول پایه کشاورزی بیشتر باشد. (ماده ۳-۶).

۲) **حمایتهای جعبه آبی:**^۱ امکان پرداختهای مستقیم مشخص تحت برنامه‌های تحدید تولید وجود دارد که عمدتاً در کشورهای توسعه یافته رایج است.

۳) **حمایتهای جعبه سبز:**^۲ شامل اقدامات حمایتی داخلی است که هیچ اثر مختل کننده تجاری نداشته یا حداقل تاثیر را داشته یا تاثیری بر تولید نداشته باشد. از جمله حمایتهای جعبه سبز می توان به حمایت دولت در ارائه خدمات آموزشی، ترویجی، تحقیقی، بازرسی آفات و امراض، سرمایه گذاری در زیر ساختهای توسعه روستایی و کشاورزی، کمکهای غذایی، کمکهای مربوط به جبران خسارت ناشی از بلایایی طبیعی و موارد مشابه آن اشاره کرد.

۴) **حمایتهای جعبه زرد:**^۳ کلیه اقدامات حمایتی داخلی که دارای آثار مختل کننده تجاری در بخش کشاورزی می باشند و مشمول معافیت‌های جعبه سبز، آبی و توسعه نیستند، باید به تدریج بر پایه تعهد کاهش حمایت داخلی هر عضو کاهش یابد. این گونه حمایتها با استفاده از معیاری تحت نام میزان کلی حمایت داخلی^۴ محاسبه می شوند و میزان به دست آمده مشمول تعهدات کاهشی می شود. میزان کلی حمایت اگر کمتر از ۱۰ درصد ارزش تولید کشاورزی در کشور در حال توسعه باشد از تعهدات

1 - Blue Box.

2 - Green Box.

3 - Amber Box.

4 - Aggregate Measurement of Support.

کاهشی معاف است. در مورد کشورهای توسعه یافته این میزان معادل ۵ درصد ارزش تولید کشاورزی می باشد. به این معافیت De minimis گفته می شود. کلاً میزان تعهدات دور اوروگوئه به تفکیک گروه کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته در زمینه دسترس به بازار، کاهش حمایت‌های داخلی و یارانه‌های صادراتی در جدول ذیل خلاصه شده است:

اصول مورد توافق در خصوص محصولات کشاورزی در موافقتنامه کشاورزی دور اوروگوئه

نوع تعهد		توافق در مورد کشورهای		حداکثر مهلت اجرا در کشورهای	
		توسعه یافته	در حال توسعه	توسعه یافته	در حال توسعه
حذف موانع غیر تعرفه‌ای و تبدیل آن به تعرفه		حذف کامل و تبدیل به تعرفه	حذف کامل و تبدیل به تعرفه	در ابتدای دوره	در ابتدای دوره
کاهش تعرفه‌ها		%۳۶	%۲۴	۶ سال	۱۰ سال
کاهش حمایت داخلی		%۲۰	%۱۳/۳	۶ سال	۱۰ سال
کاهش یارانه‌های صادراتی	کاهش مخارج بودجه‌ای	%۳۶	%۲۴	۶ سال	۱۰ سال
	کاهش مقادیر صادرات یارانه‌ای	%۲۱	%۱۴	۶ سال	۱۰ سال

(۵) تشویق توسعه و اصلاحات اقتصادی

نظام WTO به توسعه کشورها کمک و یاری می رساند. از طرف دیگر، کشورهای در حال توسعه همان گونه که قبلاً ذکر شد، نیازمند زمان بیشتری در اعمال موافقتنامه‌های این نظام هستند. و این موافقتنامه‌ها خود شرایطی را از GATT به میراث برده‌اند، که همیاری و امتیازات تجاری خاص را در مورد کشورهای در حال توسعه مجاز می شمرد.

طی هفت سال و نیم از مذاکرات دور اروگوئه، بیش از ۶۰ کشور به طور خودجوش برنامه‌های آزادسازی تجاری را اجرا نمودند. همزمان، کشورهای در حال توسعه و اقتصادهای در حال گذر در مذاکرات دور اروگوئه نسبت به دوره‌های قبل خیلی بیشتر فعال و تاثیر گذار بودند و حتی در دور دوحه فعالتر و تاثیر گذارتر بودند.

در پایان دور اروگوئه، کشورهای در حال توسعه جهت بر عهده‌گیری بسیاری از تعهداتشان که از طرف کشورهای توسعه یافته ملزم شده بودند، مهیا شدند. اما همان‌گونه که قبلاً نیز به آن اشاره شد، به آنها -بخصوص به کشورهای بسیار فقیرتر- دوره‌های انتقالی را برای تعدیل با شرایط دشوارتر و نامانوس‌تر WTO اعطا شد. با همه این احوال، WTO و اعضای آن هنوز از یک فرآیند یادگیری در حال گذر می‌باشند. در دور در جریان «دوحه»، دغدغه‌های کشورهای در حال توسعه در مورد مشکلات پیش روی ایشان در اجرای موافقتنامه دور اروگوئه مطرح می‌باشد.

جمع‌بندی

چارچوب اصلی و بنیادین نظری در روابط تجاری بین‌المللی مبتنی بر آثار مثبت تجارت آزاد می‌باشد که با طرح نظریه مزیت مطلق توسط «آدام اسمیت» (۱۷۷۶) و نظریه تقسیم بین‌المللی کار، فواید آن برشمرده شد و به تدریج بسط و توسعه یافت. پس از او افرادی چون «ریکاردو»، «هکچر» و «اوهلین» با طرح نظریه‌های مزیت نسبی و علت وجود این مزیتها به بسط نظریه‌های مربوط به تجارت پرداختند. بر این اساس، آثار مثبت تجارت آزاد در صورت وجود رقابت کامل، با ایجاد تخصص بین‌المللی کار و تامین بهینه نیازمندیهای جامعه، موجب می‌شود تا هر کشوری به سطح بالاتری از تولید و مصرف برسد و در ضمن نرخ‌نهایی یانسی تولید و مصرف بین کشورها یکسان گردد.

مطالعات اخیر بر اهمیت آزادسازی تجاری در رشد اقتصادی کشورها نیز تاکید نموده و ارتباطی قوی بین رشد اقتصادی و آزادسازی تجاری را نشان می‌دهد. گسترش روزافزون حجم تجارت جهانی طی دهه‌های اخیر و اثر آن بر رشد اقتصادی، اهمیت ویژه تجارت را برای کلیه کشورها آشکار نموده است.

از جمله ابزارهایی که توسط کشورها جهت دستیابی به سهم بیشتر از بازار جهانی مورد استفاده قرار می‌گیرند، مشارکت در موافقتنامه‌های تجاری دو یا چند جانبه می‌باشد. پدیده جهانی شدن و مشارکت در موافقتنامه‌های تجاری بین‌المللی که در راس آن گات (GATT) و سپس سازمان جهانی تجارت (WTO) قرار داشته و دارد، در گسترش این گونه موافقتنامه‌ها مؤثر بوده است موافقتنامه‌های تجارت منطقه‌ای در سراسر جهان بسیار رواج یافته‌اند.

همان‌گونه که قبلاً ذکر شد، هم اکنون بسیاری از کشورهای در حال توسعه یا عضو یک موافقتنامه تجارت منطقه‌ای می‌باشند و یا در حال مذاکره برای پیوستن به یک موافقتنامه تجارت منطقه‌ای هستند. طی ۱۰ سال گذشته تعداد موافقتنامه‌های تجارت منطقه‌ای در سراسر جهان افزایش داشته است. در ژوئن سال ۲۰۰۲ وجود ۱۶۹ موافقتنامه تجارت منطقه‌ای به سازمان جهانی تجارت گزارش شد. تا ژوئن ۲۰۰۵، وجود ۳۳۰ موافقتنامه تجارت منطقه‌ای به WTO (و نیز به سلف آن یعنی گات) گزارش شد. از این میان ۲۰۶ موافقتنامه پس از تشکیل WTO تشکیل شده‌اند. در حال حاضر ۱۸۰ موافقتنامه تجارت منطقه‌ای در حال اجرا می‌باشند و اعتقاد بر آن است که تعداد بیشتری از این نوع موافقتنامه‌ها وجود دارند که هنوز به WTO گزارش نشده‌اند.

علی‌رغم این واقعیت که موافقتنامه‌های تجارت منطقه‌ای تخطی آشکار از اصل عدم تبعیض می‌باشند، توسط سازمان جهانی تجارت پذیرفته شده‌اند. سازمان جهانی تجارت سه دستاویز را که استثنائاتی را بر اصل دولت کامل الوداد توجیه می‌کنند، فراهم

می‌سازد: ۱) بر اساس ماده ۲۴ گات ۲) رفتار ویژه و متفاوت تحت شرط توانمندسازی (۱۹۷۹) که رفتار ترجیحی کشورهای در حال توسعه را مجاز می‌شمرد. ۳) ماده ۹ موافقتنامه دور اروگوئه (۱۹۹۴) که چشم‌پوشی از قواعد معمول برای هر هدف مورد توافق را مجاز می‌شمرد.

بر اساس تحلیل سنتی اقتصادی، موافقتنامه تجارت منطقه‌ای در مقام شکلی از آزادسازی تجاری، قیمت‌ها را برای مصرف‌کنندگان از دو طریق کاهش می‌دهند: ۱) حذف تعرفه‌هایی که قبلاً بر واردات وضع می‌شوند ۲) جایگزینی تولید تولیدکنندگان ناکارآمد داخلی با واردات ارزانتر از درون منطقه (خلق تجارت). اما این نکته را نباید از نظر دور داشت که این منافع می‌تواند از طریق موانع و محدودیتهای تجاری در برابر سایر نقاط دنیا کاملاً خنثی شوند.

اصولاً استدلال له و علیه موافقتنامه تجارت منطقه‌ای سابقه طولانی داشته و هنوز بحث در خصوص آنها داغ است. همچنان این موضوع که وجود موافقتنامه‌های تجارت منطقه‌ای به طور مخفیانه‌تری به چند جانبه‌گرایی ضربه می‌زند باقی است. «باگاواتی» در این خصوص جمله معروفی دارد که: «آنها بلوکهای موجب سازندگی اند یا تخریب؟»^۱ با این حال اقتصاددانان بسیاری معتقدند که هیچ تحلیل اقتصادی یا سیاسی نمی‌تواند یک جواب قطعی در این خصوص ارائه نماید. اما در مجموع براساس یک مطالعه تحقیقاتی که دبیرخانه سازمان تجارت جهانی در سال ۱۹۹۵ انجام داد اذعان

1 - "Building blocks or stumbling blocks?": Arvind, Panagariya- "Contributions of Jagdish Bhagwati to The Theory of Preferential Trading"- http://www.columbia.edu/~ap2231/jbconference/Papers/Panagariya_Bhagwati%20Conference_PTAs.doc page 4-1382/7/4.

شد که «...ابتکارات مربوط به ادغامهای منطقه‌ای و چند جانبه در واقع مکمل تجارت آزاد هستند تا اینکه جایگزین آن باشند.»^۱ گزارش مزبور نمایانگر آن است که موافقتنامه‌ای منطقه‌ای باعث شده اند تا گروههایی از کشورها درباره قواعد و همچنین تعهداتی که از ارتباطات چند جانبه فراتر می رود، به مذاکره بپردازند. به نوبه خود، بعضی از این قواعد فرضاً مقررات مربوط به خدمات و حمایت از داراییهای فکری، در آن زمان راه را برای موافقتنامه های دور اروگوئه هموار نمودند.



۱- گزارش سازمان تجارت جهانی - مترجم دکتر محمد جواد ایروانی - «تجارت در آینده: درآمدی بر سازمان تجارت جهانی» - مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.

فهرست منابع و مآخذ

منابع فارسی

۱. اثر مشترک مرکز تجارت بین الملل و دبیرخانه مشترک المنافع-«راهنمای تجاری دور اروگوئه»-مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی-آبان ۱۳۷۵- صفحات ۱۴-۱۲
۲. بینات ، ابوالقاسم- «رفتار ویژه و متفاوت با کشورهای در حال توسعه در چارچوب سازمان تجارت جهانی»- دفتر نمایندگی تام الاختیار تجاری ایران - مرداد و شهریور ۱۳۸۳- صفحات ۵-۱
۳. ترابی ، علی محمد- جزوه تجارت بین الملل- دانشگاه بوعلی سینا- ۷۳- ۱۳۷۲
۴. ترجمه گروهی از کارشناسان مذاکرات تجاری در نمایندگی تام الاختیار تجاری ایران- «آشنایی با قواعد سازمان جهانی تجارت»- شرکت چاپ و نشر بازرگانی وابسته به مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی-صفحات ۳-۱
۵. دفتر نمایندگی تام الاختیار تجاری ایران- «سمینار مقررات و قوانین سازمان جهانی تجارت- مفاهیم پایه موافقتنامه کشاورزی»- مرداد و شهریور ۱۳۸۳- صفحات ۳-۲
۶. گزارش سازمان تجارت جهانی- مترجم دکتر محمد جواد ایروانی- «تجارت درآینده: درآمدی بر سازمان تجارت جهانی»- مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی- صفحات ۱۱۱-۱۱۰

منابع انگلیسی

- 1- Panagariya, Arvind - "Contributions of Jagdish Bhagwati to The Theory of Preferential Trading"- http://www.columbia.edu/~ap2231/jbconference/Papers/Panagariya_Bhagwati%20Conference_PTAs.doc- page 4-1382/7/4
- 2- Department of the Parliamentary Library Of Australia, " Regional Trade Agreements and The WTO", Research Note, No.16, Oct. 2002 -Pages1-2
- 3- Martyn, Tim- " A Complete Guide To The Regional Trade Agreements Of The Asia-Pacific" , The Australia APEC Study Center, March 2001, Pages 1-5
- 4- Srinivasan, T.N., " Preferential Trade Agreements with Special Reference to Asia", Pages 1-4
- 5- Stevens, Dr. Christopher; Dr. Matthew McQueen, " Regional Trade Agreements", Trade & Investment Background Briefings, No. 2, Pages 1-3- <http://www.ids.ac.uk/tradebriefings/ti2.pdf> - 1382/8/8
- 6- WTO Report 1999, "Mapping of Regional Trade Agreements Background Note by The Secretariat of WTO", Pages 1-7
- 7- http://www.wto.org/English/tratop-e/region_e/regfac.ehtm- 1382/8/8
- 8- http://www.wto.org/english/thewto_e/whatis_e/tif_e/utw_chap4_e.pdf : "CROSS-CUTTING AND NEW ISSUES"-Page 1-9- 1385/9/11
- 9- http://www.wto.org/english/res_e/doload_e/inbr_e.pdf : "The World Trade Organization..."- Page 1- 1385/9/9

پیوست (۱) :

فهرست اسامی کشورهای عضو و تاریخ عضویت آنها در سازمان تجارت جهانی

Albania 8 September 2000
Angola 23 November 1996
Antigua and Barbuda 1 January 1995
Argentina 1 January 1995
Armenia 5 February 2003
Australia 1 January 1995
Austria 1 January 1995
Bahrain, Kingdom of 1 January 1995
Bangladesh 1 January 1995
Barbados 1 January 1995
Belgium 1 January 1995
Belize 1 January 1995
Benin 22 February 1996
Bolivia 12 September 1995
Botswana 31 May 1995
Brazil 1 January 1995
Brunei Darussalam 1 January 1995
Bulgaria 1 December 1996
Burkina Faso 3 June 1995
Burundi 23 July 1995
Cambodia 13 October 2004
Cameroon 13 December 1995
Canada 1 January 1995
Central African Republic 31 May 1995
Chad 19 October 1996
Chile 1 January 1995
China 11 December 2001
Colombia 30 April 1995
Congo 27 March 1997
Costa Rica 1 January 1995

Côte d'Ivoire 1 January 1995
Croatia 30 November 2000
Cuba 20 April 1995
Cyprus 30 July 1995
Czech Republic 1 January 1995
Democratic Republic of the Congo 1 January 1997
Denmark 1 January 1995
Djibouti 31 May 1995
Dominica 1 January 1995
Dominican Republic 9 March 1995
Ecuador 21 January 1996
Egypt 30 June 1995
El Salvador 7 May 1995
Estonia 13 November 1999
European Communities 1 January 1995
Fiji 14 January 1996
Finland 1 January 1995
Former Yugoslav Republic of Macedonia (FYROM) 4 April 2003
France 1 January 1995
Gabon 1 January 1995
The Gambia 23 October 1996
Georgia 14 June 2000
Germany 1 January 1995
Ghana 1 January 1995
Greece 1 January 1995
Grenada 22 February 1996
Guatemala 21 July 1995
Guinea 25 October 1995
Guinea Bissau 31 May 1995
Guyana 1 January 1995
Haiti 30 January 1996
Honduras 1 January 1995

Hong Kong, China 1 January 1995
Hungary 1 January 1995
Iceland 1 January 1995
India 1 January 1995
Indonesia 1 January 1995
Ireland 1 January 1995
Israel 21 April 1995
Italy 1 January 1995
Jamaica 9 March 1995
Japan 1 January 1995
Jordan 11 April 2000
Kenya 1 January 1995
Korea, Republic of 1 January 1995
Kuwait 1 January 1995
Kyrgyz Republic 20 December 1998
Latvia 10 February 1999
Lesotho 31 May 1995
Liechtenstein 1 September 1995
Lithuania 31 May 2001
Luxembourg 1 January 1995
Macao, China 1 January 1995
Madagascar 17 November 1995
Malawi 31 May 1995
Malaysia 1 January 1995
Maldives 31 May 1995
Mali 31 May 1995
Malta 1 January 1995
Mauritania 31 May 1995
Mauritius 1 January 1995
Mexico 1 January 1995
Moldova 26 July 2001
Mongolia 29 January 1997
Morocco 1 January 1995

- Mozambique** 26 August 1995
Myanmar 1 January 1995
Namibia 1 January 1995
Nepal 23 April 2004
Netherlands — For the Kingdom in Europe and for the Netherlands Antilles 1 January 1995
New Zealand 1 January 1995
Nicaragua 3 September 1995
Niger 13 December 1996
Nigeria 1 January 1995
Norway 1 January 1995
Oman 9 November 2000
Pakistan 1 January 1995
Panama 6 September 1997
Papua New Guinea 9 June 1996
Paraguay 1 January 1995
Peru 1 January 1995
Philippines 1 January 1995
Poland 1 July 1995
Portugal 1 January 1995
Qatar 13 January 1996
Romania 1 January 1995
Rwanda 22 May 1996
Saint Kitts and Nevis 21 February 1996
Saint Lucia 1 January 1995
Saint Vincent & the Grenadines 1 January 1995
Saudi Arabia 11 December 2005
Senegal 1 January 1995
Sierra Leone 23 July 1995
Singapore 1 January 1995
Slovak Republic 1 January 1995
Slovenia 30 July 1995
Solomon Islands 26 July 1996

South Africa 1 January 1995
Spain 1 January 1995
Sri Lanka 1 January 1995
Suriname 1 January 1995
Swaziland 1 January 1995
Sweden 1 January 1995
Switzerland 1 July 1995
Chinese Taipei 1 January 2002
Tanzania 1 January 1995
Thailand 1 January 1995
Togo 31 May 1995
Trinidad and Tobago 1 March 1995
Tunisia 29 March 1995
Turkey 26 March 1995
Uganda 1 January 1995
United Arab Emirates 10 April 1996
United Kingdom 1 January 1995
United States of America 1 January 1995
Uruguay 1 January 1995
Venezuela (Bolivarian Republic of) 1 January 1995
Zambia 1 January 1995
Zimbabwe 5 March 1995

فهرست اسامی کشورهای ناظر در سازمان تجارت جهانی

Afghanistan
Algeria
Andorra
Azerbaijan
Bahamas
Belarus
Bhutan
Bosnia and Herzegovina

Cape Verde
 Equatorial Guinea
 Ethiopia
 Holy See (Vatican)
 Iran
 Iraq
 Kazakhstan
 Lao People's Democratic Republic
 Lebanese Republic
 Libya
 Montenegro
 Russian Federation
 Samoa
 Sao Tomé and Príncipe
 Serbia
 Seychelles
 Sudan
 Tajikistan
 Tonga
 Ukraine
 Uzbekistan
 Vanuatu
 Viet Nam
 Yemen

